

## برازش مدل نقش واسطه‌ای دلزدگی زناشویی در رابطه بین تمایز یافتگی خود، سبک‌های حل تعارض و انتظارات زناشویی در پیش‌بینی سازگاری زناشویی در زنان و مردان متأهل در شهر کرمانشاه

علیرضا علی‌بکیان<sup>۱</sup>، کریم افشاری‌نیا<sup>۲\*</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۲ صص: ۲۴۶-۲۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۲۶

### چکیده

این پژوهش با هدف بررسی برازش مدل نقش واسطه‌ای دلزدگی زناشویی در رابطه بین تمایز یافتگی خود، سبک‌های حل تعارض و انتظارات زناشویی در پیش‌بینی سازگاری زناشویی در زنان و مردان متأهل در شهر کرمانشاه تدوین یافته است. پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی بوده و جامعه آماری آن را کلیه زنان و مردان متأهل، در محدوده زمانی پاییز ۱۳۹۸، در شهر کرمانشاه تشکیل داده‌اند. از بین جامعه آماری پژوهش به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تعداد ۶۰۳ نفر به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. آزمون سازگاری زناشویی لاک - والاس، پرسشنامه خود-تمایزسازی DSI-R، نسخه دوم پرسشنامه شیوه مقابله با تعارض رحیم، زیر مقیاس AMS و پرسشنامه سنجش دلزدگی زناشویی ابزارهای پژوهش را تشکیل داده‌اند. ارزیابی مدل پیشنهادی با استفاده از آزمون‌های آماری تحلیل مسیر و بوت-استرپ به کمک نرم افزارهای AMOS-21 و SPSS-22 امکان پذیر شد. نتایج مدل نهایی نشان داد که رابطه غیرمستقیم تمایز یافتگی خود با سازگاری زناشویی از طریق دلزدگی زناشویی (۰/۱۰) و رابطه غیرمستقیم سبک مسلط با سازگاری زناشویی از طریق دلزدگی زناشویی (۰/۲۲-) معنادار می‌باشد.

**واژه‌های کلیدی:** سازگاری زناشویی، تمایز یافتگی خود، سبک‌های حل تعارض، انتظارات زناشویی.

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، گروه مشاوره، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

<sup>۲</sup> استادیار گروه مشاوره، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

\* نویسنده مسؤل مقاله: Email: K.afsharineya@iauksh.ac.ir

## مقدمه

سازگاری زناشویی یکی از اصطلاحاتی است که به طور وسیع در مطالعات خانواده و زناشویی مورد استفاده قرار می گیرد. این اصطلاح با بسیاری از اصطلاحات دیگر همچون رضایت زناشویی، شادکامی زناشویی، موفقیت زناشویی و ثبات زناشویی مرتبط است. در حالی که اصطلاحات قبلی هرکدام تنها یک بعد از ازدواج را نشان می دهند، سازگاری زناشویی یک اصطلاح چند بعدی است که سطوح چندگانه ازدواج را روشن می کند و فرایندی است که در طول زندگی زوجین به وجود می آید، زیرا لازمه آن انطباق سلیقه ها، شناخت صفات شخصیتی، ایجاد قواعد رفتاری و شکل گیری الگوهای مراوده ای است. از این رو سازگاری زناشویی یک فرایند تکاملی میان زن و شوهر است (Ghorbanalipour, Farahani, Borjali & Moghadas, 2008). سازگاری زناشویی بر بسیاری از ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان ها تأثیر می گذارد. درواقع سنگ زیربنای عملکرد خوب خانواده است و نقش والدینی را تسهیل می کند، عمر زن و شوهر را زیاد می کند، باعث افزایش سلامتی (Demo & Alan, 1996)، رضایت بیش تر از زندگی (Nock, 1995)، کاهش مشکلات روانشناختی (Horvitz; Helene & S&ra, 1997)، مدیریت بهتر تعارض و مهارت های بهتر ارتباطی و حل مسئله می شود (Johnson; Cohan & Davila, 2005).

در پژوهش های مختلف، عوامل گوناگونی به عنوان عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی شناسایی شده اند. یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر رضایت زناشویی، تمایزیافتگی خود نام دارد، که تعادلی است که فرد بین دو نیروی با هم بودن و فردیت برقرار می کند و حاصل آن ایجاد توازن بین حفظ استقلال و تداوم ارتباط با افراد مهم زندگی است (Goldenberg & Goldenberg, 2011)؛ Bowen, 1988). در این میان تأثیر خانواده بر رفتارهای فرد در هیچ حیطه ای به اندازه ی حیطه رفتارهای ارتباطی نیست. تمایزیافتگی از نظر بوئن (۱۹۸۷) به توانایی اشخاص برای تمایز خود از خانواده اصلی شان در سطح عاطفی و عقلی اطلاق می شود و درجه ای است که فرد قادر است بین عملکرد عقلانی و هیجانی و همچنین صمیمیت و استقلال در روابط، تعادل برقرار کند (Glad, 2000). عامل دیگری که می تواند سازگاری زناشویی را تحت تأثیر قرار دهد وجود تعارض بین زوجین است (Rezazadeh, 2008). البته مهم تر از وجود تعارض، سبک های حل تعارض زوجین است که عامل تضاد یا تداوم زندگی زناشویی است. برخی از محققان بر این باورند که طلاق پیامد مستقیم مهارت های نابسند حل اختلاف است (Haghighi, 2012). تجربه سطوح مختلفی از تعارض در تعاملات یک زوج، امری بدیهی و غیر قابل اجتناب است (Steuber, 2005). انتظارات زناشویی عبارت است از استانداردها و فرضیه های ذهنی، چارچوب های از پیش تعیین شده و باید و نبایدهایی که زوجین در مورد همسر و زندگی زناشویی دارند که ممکن است مبتنی بر واقعیت باشد یا نباشد

(Khamseh, 2003). اکثر افراد انتظارات غیر واقع بینانه‌ای نسبت به زندگی زناشویی دارند. آن‌ها انتظار دارند که همسرشان تمام خلأهای آن‌ها را در قبل از ازدواج پر کند (Mansfield, 2007). در حقیقت رضایت زناشویی در صورتی که انتظارات همسران با واقعیت متناسب نباشد، کاهش می‌یابد و پیش‌بینی‌کننده نتایج مخربی در زندگی زناشویی خواهد بود (McNutly 2007). همسرانی که انتظارات بسیار بالایی در مورد رابطه‌شان دارند در خطر ناامید شدن و دلزدگی قرار دارند (McNutly 2004).

دلزدگی زناشویی وضعیت دردناک فرسودگی جسمی، عاطفی و روانی است که کسانی را که توقع دارند عشق رؤیایی و ازدواج به زندگی‌شان معنا ببخشد را متأثر می‌سازد. دلزدگی هنگامی بروز می‌کند که زوجین متوجه می‌شوند علیرغم تمام تلاش‌هایشان، رابطه آنها به زندگی معنا نداده و نخواهد داد. شروع دلزدگی به ندرت ناگهانی است و معمولاً تدریجی و به سختی از یک پدیده ناگوار یا حتی چند ضربه ناراحت‌کننده ناشی می‌شود (Naeem, 2008). چنانچه همسران نیازهای خود را مطرح نکنند و یا به نیازهای یکدیگر پی نبرند و یا به راه حل مثبتی جهت دستیابی به نیازهایشان نرسند، استرس، ناکامی، سرخوردگی، خشم و نهایتاً دلزدگی بروز می‌کند (Naderi & Azadmanesh, 2011).

گزارش‌های اخیر نشان می‌دهند که ناسازگاری زناشویی در جامعه ما روند رو به رشدی دارد به طوری که معضل اختلالات زناشویی بیشتر از هر طبقه تشخیصی روان‌پزشکی دیگر، دلیل مراجعه مراجعان به مراکز مشاوره است (Rahmatollahi; Fatehizadeh & Ahmadi, 2006). بنابراین چاره‌اندیشی در راستای تحکیم بنیان خانواده از جمله اموری است که در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای را به خود معطوف کرده است. بررسی عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی از این نظر اهمیت دارد که با شناخت این عوامل، می‌توان راه‌هایی به منظور تثبیت هرچه بیشتر زندگی زناشویی پیشنهاد کرد. همچنین ریشه بسیاری از مشکلات خانوادگی به عواملی مرتبط می‌شود که به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر سازگاری زناشویی تأثیر دارند.

بنابراین انتظار می‌رود که نتایج حاصل از بررسی‌های برآزش مدل نقش واسطه‌ای دلزدگی زناشویی در رابطه بین تمایز یافتگی خود، سبک‌های حل تعارض و انتظارات زناشویی در پیش‌بینی سازگاری زناشویی، روش‌های درمانی و آموزشی لازم برای یاری رساندن به مسئولین، مشاوران، روانشناسان و خانواده‌ها را تبیین کرده و گامی مؤثر در کاهش آمار نگران‌کننده‌ی طلاق‌های عاطفی و رسمی باشد.

### روش پژوهش

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان و مردان متأهل شهر کرمانشاه، در محدوده زمانی پاییز، ۱۳۹۸ می باشد. بر اساس جدیدترین اطلاعات مرکز آمار ایران (آبان ۱۳۹۵) جمعیت شهری کرمانشاه ۹۴۶۶۵۱ نفر برآورد شده است. با توجه به دقت نبودن آمار جامعه، تعداد زیاد متغیرهای پژوهش و عدم دسترسی عملی به کلیه اعضای جامعه، از میان جامعه آماری پژوهش به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای به این شکل انجام شد که هر یک از مناطق شش گانه شهرداری کرمانشاه به عنوان یک خوشه در نظر گرفته شده و از میان هر خوشه یکصد و نوزده نفر از محلات مختلف هر منطقه به روش داوطلبانه با دارا بودن ویژگی های حداقل یکسال سابقه ی تاهل، ساکن شهر کرمانشاه بودن، داشتن حداقل تحصیلات دیپلم، نداشتن بیماری مزمن و نداشتن سابقه ازدواج مجدد یا چند همسری، به عنوان نمونه انتخاب گردیدند و در نهایت داده های مربوط به ۶۰۳ نفر در قالب ۲۹۸ نفر مرد (۴۹/۴۲ درصد) و ۳۰۵ نفر زن (۵۰/۵۸ درصد)، در محدوده ی سنی ۲۱ تا ۶۲ سال با میانگین سنی ۳۱/۴۶ و انحراف استاندارد ۶/۹۷ بودند. و میانگین طول مدت زندگی مشترک ۱۰/۰۳ سال، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ابزارهای اندازه گیری در این پژوهش عبارتند بودند از:

#### ۱- آزمون سازگاری زناشویی لاک - والاس<sup>۱</sup> (LWMAT)

پرسشنامه خود گزارش دهی کوتاهی است که در سال ۱۹۵۹ ساخته شده و تاکنون در بررسی های بسیاری به کار رفته و حاوی ۱۵ ماده است که نشان می دهند تا چه حد پاسخ دهنده با همسر خود در خصوص تعدادی از فعالیت هایی که در سازگاری زناشویی نقش بنیادین دارند، موافق است. دامنه نمره های آن بین ۲ الی ۱۵۸ می باشد که نمره های پایین، سازگاری کم و نمره ی بالا، سازگاری زیاد را نشان می دهد. نمره های زیر ۱۰۰ نشان دهنده ی تنیدگی در روابط زناشویی است. این آزمون با روش دو نیمه کردن، پایایی ۹۰ درصد را نشان داده است. همچنین این آزمون با ایجاد تمایز واضح و آشکار بین همسرانی که به خوبی سازش یافته اند و آن هایی که در ازدواج خود دچار تنیدگی هستند، روایی بسیار بالایی نشان داده است (Shakeriyan, 2012). برآورد همسانی درونی با استفاده از فرمول اسپیرمن - براون را بسیار خوب و ضریب همبستگی بین دو نیمه ی آن را برابر ۰/۹۰ گزارش کرده اند (Sanayi Zaker, 2008). این آزمون توسط مظاهری (۱۳۷۹) ترجمه و روی یک نمونه از زوج های ایرانی به کار برده شده است (Shakeriyan, 2012). در پژوهش حاضر پایایی این آزمون محاسبه شد و آلفای کرونباخ ۰/۷۷ به دست آمد.

<sup>1</sup> Locke - Wallace Marital Adjustment Test

## ۲- پرسشنامه ی تمایز یافتگی خود<sup>۱</sup>

پرسشنامه خودتمایزسازی DSI-R یک ابزار خود گزارشی ۴۶ عبارتی است که بر روی بزرگسالان، روابط مهم آنها و ارتباطات فعلی که با خانواده مبدأشان دارند، تمرکز دارد. مقیاس خودتمایزسازی شامل چهار خرده مقیاس واکنش پذیری عاطفی (ER)، جایگاه من (IP)، گریز عاطفی (EC) و هم آمیختگی با دیگران (FO) می باشد. از نظر پایایی، ضریب آلفای کرونباخ گزارش شده کل مقیاس توسط اسکرون و شاپیرو ۰/۲۹ است. پایایی خرده آزمونها که با ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده شامل: امتزاج با دیگران ۰/۶۸، واکنش هیجانی ۰/۹۸، موقعیت من ۰/۱۸ و گسلس عاطفی ۰/۴۸ است (Skowron & Shapiro, 2009). در ایران، این مقیاس هنجاریابی شده و روایی محتوایی آن را از روش همسانی درونی ۰/۸۳ و اعتبار آن را از روش بازآزمایی ۰/۸۱ گزارش کرده اند. همچنین پایایی پرسشنامه به ترتیب برای کل پرسشنامه ۰/۲۷، واکنش هیجانی ۰/۱۸، گسلس عاطفی ۰/۷۶، امتزاج با دیگران ۰/۷۹ و موقعیت من ۰/۶۴ گزارش شده است (Younesi, 2006). در پژوهش حاضر پایایی پرسشنامه تمایز یافتگی خود مورد بررسی قرار گرفت که آلفای کرونباخ آن ۰/۸۵ به دست آمد.

## ۳- نسخه دوم پرسشنامه شیوه مقابله با تعارض رحیم<sup>۲</sup> (ROCI - II)<sup>۳</sup>

این پرسشنامه توسط رحیم (۱۹۸۳) برای اندازه گیری سبک های حل تعارض ساخته شد. پرسشنامه ی سبک های حل تعارض، مکانیزمی برای اندازه گیری پنج شیوه ای است که افراد به تعارض پاسخ می دهند. این پرسشنامه دارای ۲۸ ماده و ۵ خرده مقیاس می باشد که هر خرده مقیاس، یک سبک حل تعارض بین فردی را نشان می دهد. ۵ سبک حل تعارض عبارتند از: سبک یکپارچگی (دارای ۷ عبارت)، سبک مسلط (دارای ۵ عبارت)، سبک ملزم شده (دارای ۶ عبارت)، سبک اجتناب کننده (دارای ۶ عبارت) و سبک مصالحه (دارای ۴ عبارت). ماده های این مقیاس به شکل لیکرت ۵ درجه ای نمره گذاری می شود. هر یک از ماده ها می تواند نمره ای از ۱ تا ۵ کسب کند. سپس با توجه به تعداد ماده های هر زیر مقیاس، نمره ی کلی آن زیر مقیاس به دست می آید. حداقل و حداکثر نمره ی هر زیر مقیاس نیز با توجه به تعداد ماده های آن، از ۱ تا ۵ خواهد بود. رحیم در یک مطالعه ی جامع بر روی یک نمونه ۱۲۱۹ نفری به تحلیل روایی و پایایی ROCI - II پرداخت. تحلیل عوامل، منعکس کننده پنج سبک حل تعارض بود. محاسبه ضرایب پایایی با استفاده از بازآزمایی و همسانی درونی برای ۵ خرده مقیاس این پرسشنامه، رضایت بخش گزارش شد، Rahim,

<sup>1</sup> Differentiation of self inventory

<sup>2</sup> A.Rahim

<sup>3</sup> Rahim Organizational Conflict Inventory

(1983). در پژوهشی که بر روی یک نمونه ۱۴۷۴ نفری، ساختار عاملی این پرسشنامه بررسی شد. نتایج حاصل از تحلیل عامل تأییدی، ۵ عامل اصلی این مدل را مورد تأیید قرار داد. همچنین نتایج نشان داد که این ابزار از روایی همگرا و افتراقی مطلوبی برخوردار است. همسانی درونی این ابزار با استفاده از آلفای کرونباخ بین ۰/۷۶ تا ۰/۸۵ گزارش شد (Rahim; Kaufamn. & Psennica, 2004). همچنین نتایج حاصل از تحلیل عامل اکتشافی نشان داد که ماده های پرسشنامه ۰/۸۹ درصد از واریانس کل را تبیین می نمایند (Haghighi, 2012). در پژوهش حاضر پایایی این پرسشنامه محاسبه شد و آلفای کرونباخ ۰/۸۲ به دست آمد.

#### ۴- زیر مقیاس AMS<sup>۱</sup> از مقیاس انتظارات و نگرش های زناشویی (MAES)<sup>۲</sup>

مقیاس انتظارات و نگرش های زناشویی در سال ۲۰۱۲ توسط پارک<sup>۳</sup> ساخته شد و از سه زیر مقیاس تشکیل شده است؛ در نتیجه شامل ۳۶ گویه است که بر اساس یک طیف لیکرت ۷ درجه ای (۰ تا ۶ از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) نمره گذاری می شود. نمره گذاری برخی از گویه ها نیز به صورت معکوس انجام می شود. مقیاس MAES برای همه ی افراد صرف نظر از وضعیت تأهل آن ها قابل استفاده است. زیر مقیاس AMS، ۲۳ گویه دارد و انتظارات فرد از رابطه ی زناشویی در ۶ جنبه ی روابط عاشقانه، احترام متقابل، اعتماد، ثبات مالی، ارزش های مشترک و صمیمیت جنسی را می سنجد. نمره بیشتر در AMS انتظارات مثبت بیشتری را از رابطه ی زناشویی نشان می دهد. نتایج محاسبه ضرایب پایایی با آلفای کرونباخ ۰/۹۲، همسانی درونی بسیار خوبی را برای AMS گزارش کرده است. همچنین همبستگی بین AMS و مقیاس نگرش های زناشویی (MAS) و مقیاس نگرش نسبت به ازدواج (ATMS)<sup>۴</sup> روایی همگرایی خوبی را برای آن نشان داده است (Park, 2012). در این پژوهش از زیر مقیاس AMS، پس از ترجمه و اصلاحات مورد نیاز استفاده شد سپس با توجه به نتایج تحلیل عاملی تأییدی، که با استفاده از نرم افزار AMOS انجام شد، ۱۰ گویه ی آن یعنی گویه های ۲، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۳ چون بار عاملی مناسبی نداشتند حذف شدند. در نهایت پایایی AMS در این پژوهش محاسبه شده و آلفای کرونباخ ۰/۷۳ به دست آمد.

<sup>1</sup> Aspects of Marriage Scale

<sup>2</sup> Marital Attitudes Scale

<sup>3</sup> S. Park

<sup>4</sup> Attitudes towards Marriage Scale

##### ۵- پرسشنامه سنجش دلزدگی زناشویی (CBM)<sup>۱</sup>

این پرسشنامه یک ابزار خودسنجی است که برای اندازه‌گیری درجه‌ی دلزدگی زناشویی در بین زوجین طراحی گردیده است. CBM از یک ابزار خودسنجی دیگری که برای اندازه‌گیری دلزدگی به کار می‌رود (BM) اقتباس شده است. CBM توسط پاینز<sup>۲</sup> ابداع گردید. این پرسشنامه شامل ۲۱ ماده است که ۱۷ ماده‌ی آن شامل عبارت‌های منفی مانند خستگی، ناراحتی و بی‌ارزش بودن و ۴ ماده‌ی آن شامل عبارات مثبت مانند خوشحال بودن و پرانرژی بودن است. تمام این موارد روی یک مقیاس هفت امتیازی پاسخ داده می‌شوند. سطح ۱ معرف عدم تجربه‌ی عبارت مورد نظر و سطح ۷ معرف تجربه‌ی زیاد می‌باشد و نمره‌ی بالاتر آزمودنی، نشانه‌ی دلزدگی بیشتر می‌باشد. ارزیابی ضریب پایایی CBM نشان داد که دارای همسانی درونی بین متغیرها در دامنه‌ی ۰/۸۴ و ۰/۹۰ است. روایی CBM به وسیله‌ی همبستگی منفی با ویژگی‌های ارتباطی مثبت مانند نظر مثبت در مورد ارتباط، کیفیت مکالمه، احساس امنیت، خود شکوفایی، احساس هدفمندی، کشش و جاذبه‌ی عاطفی نسبت به همسر و کیفیت رابطه جنسی آن‌ها به تأیید رسیده است. نسخه‌های ترجمه شده‌ی CBM به طور موفقیت‌آمیزی در مطالعات بین فرهنگی در نروژ، مجارستان، مکزیک، اسپانیا، پرتغال، فنلاند و اسرائیل استفاده شده است (Pines, 2002). در پژوهشی برای به دست آوردن روایی CBM، این آزمون را با پرسشنامه‌ی رضایت زناشویی اینریچ همبسته کردند، ضریب همبستگی بین این دو پرسشنامه ۰/۴۰- به دست آمد که در سطح  $P < 0/001$  معنادار می‌باشد (Naderi & Azadmanesh, 2011). در پژوهش دیگری پایایی این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ و تنصیف به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۸۲ محاسبه شده است (Naeem, 2008). در پژوهش حاضر پایایی این پرسشنامه محاسبه شد و آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به دست آمد.

این پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی بوده و به منظور بررسی فرضیه‌ها و سؤال‌های پژوهش؛ علاوه بر استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی، از آزمون‌های آماری همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون چند متغیری و تحلیل مسیر استفاده شده است. همچنین جهت بررسی روابط غیرمستقیم مسیرها روش بوت استراپ، با استفاده از نرم افزارهای AMOS-21 و SPSS-22، به کار گرفته شده است.

<sup>1</sup> Couple Burnout Measurement

<sup>2</sup> A.M. Pines

## یافته ها

جدول ۱- میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف استاندارد
سبک یکپارچه	۲۰	۳۵	۲۸/۶۰	۳/۳۰
سبک اجتنابی	۱۰	۳۰	۲۰/۲۴	۴/۱۱
سبک مسلط	۵	۲۵	۱۴/۲۹	۴/۰۱
سبک مصالحه	۱۱	۲۰	۱۵/۲۵	۱/۹۰
سبک ملزم شده	۷	۳۰	۱۹/۹۸	۴/۰۳
دلزدگی زناشویی	۲۹	۹۷	۶۰/۰۱	۱۵/۳۰
سازگاری زناشویی	۴۰	۱۵۱	۱۰۵/۵۶	۲۶/۴۳
انتظارات زناشویی	۶۰	۹۰	۸۱/۳۳	۶/۲۶
تمایز یافتگی خود	۱۰۷	۲۰۵	۱۵۸/۱۴	۱۹/۶۲۴
واکنش پذیری عاطفی	۱۳	۵۵	۳۷/۳۶	۶/۵۳۳
جایگاه من	۲۳	۵۸	۳۸/۶۱	۶/۲۴۲
گریز عاطفی	۲۰	۶۹	۴۴/۶۴	۸/۹۱۸
هم آمیختگی با دیگران	۱۷	۵۷	۳۷/۱۱	۸/۳۱۰

جدول ۲- ضرایب همبستگی بین سبک‌های حل تعارض، دلزدگی زناشویی، تمایز یافتگی خود و انتظارات زناشویی با سازگاری زناشویی

سبک یکپارچه	سبک اجتنابی	سبک مسلط	سبک مصالحه	سبک ملزم	تمایز یافتگی خود	دلزدگی زناشویی	انتظارات زناشویی	
۰/۲۷	۰/۰۰۴	-۰/۲۹	۰/۲۱	۰/۱۹	۰/۲۰	-۰/۶۲	۰/۲۴	همبستگی
۰/۰۰۱	۰/۹۴	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	سطح معناداری

همانگونه که مشاهده می شود به استثنای سبک اجتنابی، ضرایب همبستگی سایر متغیرها با سازگاری زناشویی معنادار می باشد.



**جدول ۳- خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش بینی سازگاری زناشویی بر اساس تمایز یافتگی خود، سبک های حل تعارض و دلزدگی زناشویی**

سطح معناداری	F	R <sup>2</sup> تنظیم شده	R <sup>2</sup>	R
۰/۰۰۱	۴۱/۵۶		۰/۴۹	۰/۷۰

همان گونه که در جدول ۳ آمده است مدل رگرسیونی برای پیش بینی سازگاری زناشویی با  $F=41/56$ ، در سطح  $P<0/001$  معنادار است؛ و  $0/48$  و متغیرهای تمایز یافتگی خود، سبک های حل تعارض و دلزدگی زناشویی، روی هم رفته می توانند ۴۹ درصد از تغییرات مربوط به سازگاری زناشویی را پیش بینی کنند.

**جدول ۴- ضرایب رگرسیونی برای پیش بینی سازگاری زناشویی**

سطح معناداری	t	$\beta$	خطای برآورد	B	متغیر پیش بین
۰/۰۰۶	۲/۷۸	-۰/۱۳	۰/۲۴	-۰/۶۹	تمایز یافتگی
۰/۱۳	۱/۴۸	۰/۰۶	۰/۶۴	۰/۹۵	سبک مصالحه
۰/۰۱	۲/۴۴	۰/۱۰	۰/۲۷	۰/۶۸	سبک ملزم شده
۰/۰۱	۲/۵۰	۰/۱۱	۰/۲۶	۰/۶۵	سبک یکپارچه
۰/۷۱	۰/۳۶	۰/۰۱	۰/۳۱	۰/۰۸	سبک مسلط
۰/۰۰۱	۱۳/۸۴	-۰/۶۱	۰/۰۷	-۱/۰۵	دلزدگی زناشویی
۰/۷۰	۰/۳۸	۰/۰۱	۰/۲۴	۰/۰۹	انتظارات زناشویی

بر اساس نتایج مندرج در جدول ۴ تمایز یافتگی خود با بتای  $-0/13$ ، سبک ملزم شده با ضریب بتای  $0/10$ ، سبک یکپارچه با بتای  $0/11$ ، دلزدگی زناشویی با بتای  $-0/61$ ، توان پیش بینی سازگاری زناشویی را دارند.

**جدول ۵- ضرایب همبستگی بین سبک‌های حل تعارض، تمایز یافتگی خود و انتظارات زناشویی با دلزدگی زناشویی**

سبک	سبک	سبک	سبک	سبک	سبک	انتظارات
یکپارچه	اجتنابی	مسلط	مصالحه	ملزم	خود	زناشویی
-۰/۲۰	۰/۰۸	۰/۴۵	-۰/۰۵	-۰/۰۳	-۰/۳۶	-۰/۲۵
۰/۰۰۱	۰/۱۲	۰/۰۰۱	۰/۲۹	۰/۴۶	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱

**جدول ۶- خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی دلزدگی زناشویی بر اساس تمایز یافتگی خود و سبک‌های حل تعارض**

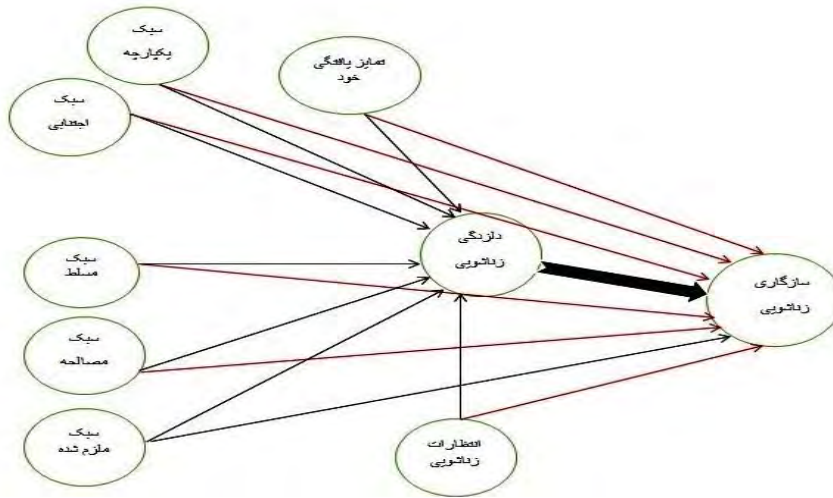
R	R <sup>2</sup>	R <sup>2</sup> تنظیم‌شده	F	سطح معناداری
۰/۵۱	۰/۲۶	۰/۲۵	۲۰/۴۳	۰/۰۰۱

همان‌گونه که در جدول ۶ آمده است مدل رگرسیونی برای پیش‌بینی سازگاری زناشویی با  $F=۲۰/۴۳$ ، در سطح  $P<۰/۰۰۱$  معنادار است؛ و متغیرهای تمایز یافتگی خود و سبک‌های حل تعارض، روی هم‌رفته می‌توانند ۲۶ درصد از تغییرات مربوط به دلزدگی زناشویی را پیش‌بینی کنند.

**جدول ۷- ضرایب رگرسیونی برای پیش‌بینی دلزدگی زناشویی**

متغیر پیش‌بین	B	خطای برآورد	$\beta$	t	سطح معناداری
تمایز یافتگی خود	۰/۴۳	۰/۱۶	-۰/۱۵	۲/۶۱	۰/۰۰۹
سبک مسلط	۰/۸۰	۰/۱۴	۰/۳۴	۵/۷۴	۰/۰۰۱
سبک یکپارچه	۰/۱۵	۰/۱۷	۰/۰۵	۰/۸۵	۰/۳۹
انتظارات زناشویی	۰/۱۲	۰/۱۶	۰/۰۴	۰/۷۸	۰/۴۳

بر اساس نتایج مندرج در جدول ۷، تمایز یافتگی خود با بتای  $-۰/۱۵$ ، و سبک مسلط با ضریب بتای  $۰/۳۴$ ، توان پیش‌بینی دلزدگی زناشویی را دارند.



شکل ۱، مدل پیشنهادی

جدول ۸- پارامترهای اندازه‌گیری روابط مستقیم در مدل پیشنهادی پژوهش

معناداری	نسبت بحرانی	خطای معیار	برآورد غیراستاندارد	برآورد استاندارد ( $\beta$ )	مسیرها
۰/۰۰۱	-۳/۵۲	۰/۱۳	-۰/۴۵	-۰/۱۶	تمایز یافتگی به دلزدگی زناشویی
۰/۱۵	۱/۴۱	۰/۱۶	۰/۲۳	۰/۰۶	سبک اجتنابی به دلزدگی زناشویی
۰/۶۲	۰/۴۸	۰/۳۶	۰/۱۷	۰/۰۲	سبک مصالحه به دلزدگی زناشویی
۰/۸۶	-۰/۱۷	۰/۱۷	-۰/۰۳	-۰/۰۰۸	سبک ملزم شده به دلزدگی زناشویی
۰/۰۰۱	۷/۶۸	۰/۱۰	۰/۸۰	۰/۳۵	سبک مسلط به دلزدگی زناشویی
۰/۴۳	۰/۷۸	۰/۱۴	۰/۱۱	۰/۰۳	سبک یکپارچه به دلزدگی زناشویی
۰/۴۱	۰/۸۱	۰/۱۳	۰/۱۰	۰/۰۳	انتظارات زناشویی به دلزدگی زناشویی
۰/۰۰۱	-۱۳/۷۲	۰/۰۷	-۱/۰۴	-۰/۶۰	دلزدگی زناشویی به سازگاری زناشویی
۰/۰۰۱	-۳/۶۸	۰/۱۹	-۰/۷۰	-۰/۱۴	تمایز یافتگی به سازگاری زناشویی
۰/۰۰۱	۳/۲۶	۰/۲۱	۰/۶۹	۰/۱۲	سبک یکپارچه به سازگاری زناشویی
۰/۴۱	-۰/۸۰	۰/۲۴	-۰/۱۹	-۰/۰۳	سبک اجتنابی به سازگاری زناشویی
۰/۰۶	۱/۸۵	۰/۵۲	۰/۹۷	۰/۰۷	سبک مصالحه به سازگاری زناشویی
۰/۰۰۱	۳/۱۷	۰/۲۴	۰/۷۸	۰/۱۲	سبک ملزم شده به سازگاری زناشویی
۰/۶۰	۰/۵۲	۰/۱۶	۰/۰۸	۰/۰۲	سبک مسلط به سازگاری زناشویی
۰/۶۳	۰/۴۷	۰/۱۸	۰/۰۹	۰/۰۱	انتظارات زناشویی به سازگاری زناشویی

بر اساس جدول ۸ می‌توان گفت که رابطه تمایز یافتگی خود با دلزدگی زناشویی (۰/۱۶-)، سبک مسلط با دلزدگی زناشویی (۰/۳۵)، دلزدگی زناشویی با سازگاری زناشویی (۰/۶۰-)، تمایز یافتگی خود با سازگاری زناشویی (۰/۱۴-)، سبک یکپارچه با سازگاری زناشویی (۰/۱۲)، سبک مصالحه به سازگاری زناشویی (۰/۰۷)، سبک ملزم شده با سازگاری زناشویی (۰/۱۲)، معنادار می‌باشند.

#### جدول ۹- نتایج بوت استرپ مربوط به روابط غیرمستقیم در مدل میانجی‌گری پژوهش

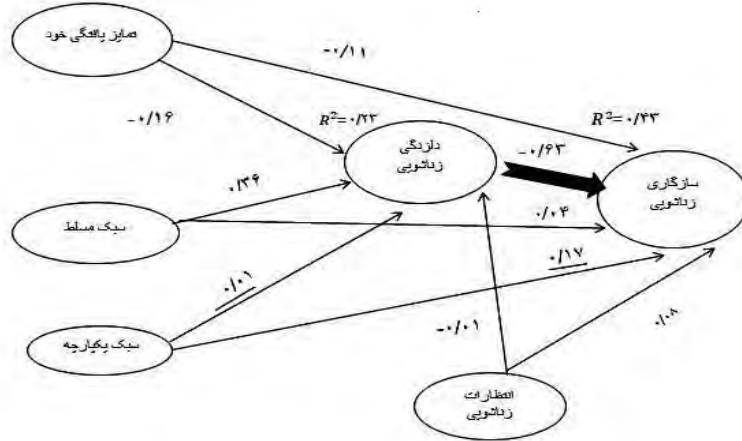
مسیرها	بازورد استاندارد	معناداری	حد پایین	حد بالا
رابطه انتظارات زناشویی با سازگاری زناشویی از طریق دلزدگی زناشویی	۰/۰۲	۰/۵۹	۰/۰۸	۰/۰۴
رابطه سبک یکپارچه با سازگاری زناشویی از طریق دلزدگی زناشویی	۰/۰۲	۰/۴۷	۰/۰۷	۰/۰۳
رابطه تمایز یافتگی خود با سازگاری زناشویی از طریق دلزدگی زناشویی	۰/۱۰	۰/۰۰۵	۰/۰۴	۰/۱۶
رابطه سبک مسلط با سازگاری زناشویی از طریق دلزدگی زناشویی	۰/۲۱	۰/۰۰۱	۰/۲۸	۰/۱۶
رابطه سبک ملزم شده با سازگاری زناشویی از طریق دلزدگی زناشویی	۰/۰۵	۰/۸۵	۰/۰۴	۰/۰۶
رابطه سبک مصالحه با سازگاری زناشویی از طریق دلزدگی زناشویی	۰/۰۱	۰/۶۷	۰/۰۶	۰/۰۴
رابطه سبک اجتنابی با سازگاری زناشویی از طریق دلزدگی زناشویی	۰/۰۴	۰/۲۲	۰/۰۹	۰/۰۱

بر اساس جدول ۹، تمایز یافتگی خود با سازگاری زناشویی از طریق دلزدگی زناشویی (۰/۱۰) و رابطه سبک مسلط با سازگاری زناشویی از طریق دلزدگی زناشویی (۰/۲۱-)، معنادار می‌باشد.

#### جدول ۱۰- شاخص‌های نیکویی برازش مدل پیشنهادی پژوهش

شاخص‌های برازندگی	مقدار
آزمون نیکویی برازش مجذور کای ( $\chi^2$ )	۹۵۸/۶۳
سطح معناداری	۰/۰۰۱
درجه آزادی (df)	۵۵
نسبت مجذور کای به درجه آزادی ( $\chi^2/df$ )	۱۷/۴۳
شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۶۵
شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI)	۰/۴۳
شاخص برازندگی هنجار شده (NFI)	۰/۲۷
شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)	۰/۲۷
شاخص برازندگی افزایشی (IFI)	۰/۲۸
شاخص توکر- لویس (TLI)	۰/۰۴
ریشه میانگین مجذور باقی‌مانده تقریبی (RMSEA)	۰/۲۱

بر اساس نتایج مندرج در جدول ۱۰، مدل پیشنهادی از برازش لازم برخوردار نمی باشد.



شکل ۲- مدل اصلاح شده

در جدول ۱۱- پارامترهای اندازه گیری روابط مستقیم در مدل اصلاح شده

مسیرها	برآورد استاندارد (β)	برآورد غیر استاندارد (رد)	خطای مجاری	نسبت بحرانی	سطح معناداری
سیک مسلط با دلزدگی زناشویی	۰/۳۶	۰/۸۳	۰/۱۴	۵/۹	۰/۰۰۱
تمایز یافتگی با دلزدگی زناشویی	-۰/۱۶	-۰/۴۶	۰/۱۷	-۲/۷۴	۰/۰۰۶
سیک یکپارچه با دلزدگی زناشویی	۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۱۷	۰/۱۷	۰/۸۶
انتظارات زناشویی با دلزدگی زناشویی	-۰/۰۱	-۰/۰۲	۰/۱۶	-۰/۱۷	۰/۸۶
سیک مسلط با سازگاری زناشویی	۰/۰۴	۰/۱۷	۰/۲۲	۰/۷۸	۰/۴۳
تمایز یافتگی با سازگاری زناشویی	-۰/۱۱	-۰/۵۳	۰/۲۵	-۲/۱۱	۰/۰۳
سیک یکپارچه با سازگاری زناشویی	۰/۱۷	۰/۹۴	۰/۲۶	۳/۶۰	۰/۰۰۱
انتظارات زناشویی با سازگاری زناشویی	۰/۰۸	۰/۴۱	۰/۲۴	۱/۷۰	۰/۰۹
دلزدگی زناشویی با سازگاری زناشویی	-۰/۶۳	-۱/۰۹	۰/۰۸	-۱۳/۹۴	۰/۰۰۱

نتایج جدول ۱۵، نشان می‌دهد که ضریب استاندارد مسیرهای سبک مسلط با دلزدگی زناشویی ( $\beta = 0/36$ )، تمایز یافتگی خود با دلزدگی زناشویی ( $\beta = -0/16$ )، تمایز یافتگی خود با سازگاری زناشویی ( $\beta = -0/11$ )، سبک یکپارچه با سازگاری زناشویی ( $\beta = 0/17$ )، و دلزدگی زناشویی با سازگاری زناشویی ( $\beta = -0/63$ ) معنادار می‌باشد.

#### جدول ۱۲- شاخص‌های نیکویی برازش مدل اصلاح‌شده

مقدار	شاخص‌های برازندگی
۱/۳۷	آزمون نیکویی برازش مجذور کای ( $\chi^2$ )
۰/۲۴	سطح معناداری
۱	درجه آزادی (df)
۱/۳۷	نسبت مجذور کای به درجه آزادی ( $\chi^2/df$ )
۰/۹۹	شاخص نیکویی برازش (GFI)
۰/۹۷	شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI)
۰/۹۹	شاخص برازندگی هنجار شده (NFI)
۰/۹۹	شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)
۰/۹۹	شاخص برازندگی افزایشی (IFI)
۰/۹۹	شاخص توکر- لویس (TLI)
۰/۰۳	ریشه میانگین مجذور باقی‌مانده تقریبی (RMSEA)

با توجه به نتایج جدول ۱۲، مدل اصلاح شده از برازش بسیار خوبی برخوردار است.

#### جدول ۱۳- نتایج بوت استرپ مربوط به روابط غیرمستقیم در مدل اصلاح‌شده

مسیرها	برآورد استاندارد	برآورد غیراستاندارد	حد پایین	حد بالا	سطح معناداری
رابطه انتظارات زناشویی با سازگاری زناشویی از طریق دلزدگی زناشویی رابطه سبک یکپارچه	۰/۰۰۶	۰/۰۳	-۰/۰۵	۰/۰۶	۰/۸۳
با سازگاری زناشویی از طریق دلزدگی زناشویی	-۰/۰۰۶	-۰/۰۳	-۰/۰۵	۰/۰۴	۰/۸۶
رابطه تمایز یافتگی خود با سازگاری زناشویی از طریق دلزدگی زناشویی رابطه سبک مسلط با سازگاری زناشویی از طریق دلزدگی زناشویی	۰/۱۰	۰/۵۱	۰/۰۴	۰/۱۶	۰/۰۰۵
سازگاری زناشویی از طریق دلزدگی زناشویی	-۰/۲۲	-۰/۹۱	-۰/۲۹	-۰/۱۶	۰/۰۰۱

نتایج جدول ۱۳، نشان می‌دهد که رابطه غیرمستقیم تمایز یافتگی خود با سازگاری زناشویی از طریق دزدگی زناشویی (۰/۱۰) و رابطه غیرمستقیم سبک مسلط با سازگاری زناشویی از طریق دزدگی زناشویی (۰/۲۲-) معنادار می‌باشد.

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی برازش مدل نقش واسطه‌ای دزدگی زناشویی در رابطه بین تمایز یافتگی خود، سبک‌های حل تعارض و انتظارات زناشویی در پیش‌بینی سازگاری زناشویی در زنان و مردان متأهل در شهر کرمانشاه تدوین یافته بود. تحلیل داده‌ها نشان داد که مدل پیشنهادی پژوهش از برازش لازم برخوردار نبوده و بنابراین ضمن اصلاح مدل و بررسی آن، برازش مدل اصلاح‌شده مطلوب‌تری ارزیابی گردید. در مدل اصلاح‌شده ضریب استاندارد مسیرهای سبک مسلط با دزدگی زناشویی، تمایز یافتگی خود با دزدگی زناشویی، تمایز یافتگی خود با سازگاری زناشویی، سبک یکپارچه با سازگاری زناشویی، و دزدگی زناشویی با سازگاری زناشویی و رابطه غیرمستقیم تمایز یافتگی خود با سازگاری زناشویی از طریق دزدگی زناشویی و رابطه غیرمستقیم سبک مسلط با سازگاری زناشویی از طریق دزدگی زناشویی معنادار می‌باشد.

بر اساس مدل اصلاح‌شده به موازات افزایش میزان تمایز یافتگی در زوجین، سطح دزدگی زناشویی در آنها کاهش یافته و بر سازگاری زناشویی آنان افزوده می‌گردد. این یافته با یافته‌های Prochaska & Noorcross (1999)؛ Hill (2005)؛ Miller & Anderson (2004)؛ Valadkhani (2008)؛ Hamed et al. (2012)؛ Skowron (2004)؛ Haws & Mallinckrodt (1998)؛ Skowron & Friedland (1998)؛ Bartle and Gregory (2003)؛ Glad (2000)؛ Bowen (1998) همسو می‌باشند. در تبیین یافته‌ها می‌توان به نظریه بوئن اشاره کرد. بوئن تمایز یافتگی را روی یک پیوستار فرضی نشان می‌دهد که در یک انتهای آن تمایز یافتگی و در انتهای دیگر آن آمیختگی با دیگران قرار دارد. افراد هم‌آمیخته شدیداً به تایید و حمایت اطرافیان نیاز دارند، احساسات در آنها غالب است و رفتارهایشان تحت تاثیر سیستم عاطفی محیط و واکنش اطرافیان شکل می‌گیرد. این افراد از نظر تفکر، احساس و رفتار، با نظام روابط خانوادگی از پیوندی پیچیده و غیرقابل تفکیک برخوردارند. زمانی که زن و شوهر از هم‌آمیختگی زیادی برخوردارند، به خاطر حفظ هماهنگی در خانواده، خودکاذبی را به نمایش می‌گذارند، که این امر باعث بدکاری جسمی و عاطفی می‌شود. در برخی موارد این الگو با تعارض زناشویی در هم می‌آمیزد و فرد بسیار بی‌کفایت از سلطه‌گری، بی‌ملاحظه‌گی یا سایر خصوصیات همسرش دست به شکوه و گلایه می‌زند و این مسائل باعث نارضایتی و متعاقب آن، ناسازگاری زناشویی می‌شود.

(Hossein Shahi Borouati, Naghshb & Arjm, 2011)

در خصوص نقش سبک های حل تعارض می توان گفت: به کارگیری سبک مسلط برای حل تعارضات زناشویی بواسطه افزایش دلزدگی زناشویی، سطح سازگاری زناشویی را نیز کاهش می دهد و به کارگیری سبک یکپارچه در تعارضات به افزایش سازگاری زناشویی منجر می شود. این یافته با نتایج پژوهش های

Steuber (2005); Guttman (2007); Kurdek (1995); Rahim, Kaufman & Psenic (2004); Haghigi (2010); Abraham & Bruyne (2000); Johnson (2005); Mahoney (2006); Dattilo (2010); Beach (2006); Dreifuss, Franklin, Kamen & Gabriel (2008); Beyrami, Babapour Kheyroodin, Hashemi, Esmaili & Bahadori (2013)

همسو می باشد. در تبیین این یافته می توان گفت؛ مذاکره دوجانبه درباره حل تعارض مهم ترین عاملی است که سازگاری و رضایت زناشویی را هم برای زنان و هم برای مردان پیش بینی می کند. در واقع زوجینی که سبک یکپارچه را برای حل تعارضاتشان به کار می گیرند، گفتگوهای مستقیم و سازگارانة دارند و این راهبردهای کلامی سازگارانة به آن ها کمک می کند تا احساسات خود را نشان دهند و در عین حال در جستجوی موافقت طرف مقابل نیز باشند. آن ها به یکدیگر اعتماد داشته و مشکلات را به یاری هم پشت سر می گذارند و در نتیجه احساس رضایت و موفقیت نموده و سازگاری زناشویی بیشتری دارند. سبک مسلط به وسیله اهمیت دادن زیاد به نگرانی های خود و اهمیت دادن کم به نگرانی های دیگران مشخص و به عنوان یک سبک رقابتی شناخته شده است. در این سبک، رفتار افراد تحمیل کننده است و فرد تلاش می کند به اهدافش دست یابد، بدون این که برای دیگران اهمیتی قائل شود (Haghigi, 2012). بنابراین سبک مسلط همواره به عنوان یک سبک مخرب در حل تعارض شناخته شده است. دلزدگی زناشویی یک پاسخ انطباق یافته به استرس است. شخص استفاده کننده از سبک مسلط، سعی دارد با رفتار آمرانه و با استفاده از اعمال قدرت، به خواسته هایش برسد، بدون این که برای دیگران اهمیتی قائل شود در نتیجه باعث وخیم تر شدن تعارض می شود (Larson; Hamm & Harpe, 1998).

مدل اصلاح شده مبین ارتباط معنادار انتظارات زناشویی با سازگاری زناشویی است که با یافته های حاصل از پژوهش های:

Que (2007); Rios (2010); Kurdek (1993); Amiri (2008); Mc Nutly & Karney (2004); Bakhshoodeh & Bahrami Ehsan (2012)

همخوانی دارد. در تبیین نتیجه می توان گفت: هنگامی که افراد از وظایف خود در زندگی زناشویی و مهارت های مورد نیاز آگاه می شوند تا حدی از انتظارات رمانتیک و ایده آل گرایانه ازدواج فاصله می گیرند و بر تلاش برای حفظ رابطه ای سالم متمرکز می گردند (Mc Nutly, 2007).



در مدل اصلاح شده به موازات افزایش دلزدگی زناشویی سطح سازگاری زناشویی نیز کاهش می‌یابد. نتایج پژوهش‌های: Adibrad & Moosavizadeh (2009); Owladi (2011); Adibrad (2005) با یافته‌های این پژوهش همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت؛ میزان دلزدگی زناشویی زوج‌ها به میزان سازگاری آن‌ها و باورهایشان بستگی دارد. زوج‌هایی که دلزدگی زناشویی کمتری دارند، سازگارتر بوده و برای تداوم رابطه تلاش بیشتری می‌نمایند (Pines, 2002). یافته‌های پژوهش موید این مهم است که به عنوان برنامه پیشگیری اولیه و حتی در شرایط دشوار و در برخورد با زوجهای متعارض، با تمرکز بر آموزش عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی بویژه آشنایی با سبک‌های سازنده حل تعارض، تمایز یافتگی خود و ابعاد آن می‌توان به افزایش سازگاری زناشویی و در نهایت استحکام بنیان خانواده در زوجین متعارض، کمک کرد.

### References

- Abraham, G.P & Bruyne, T. (2000). Conflict management style & marital satisfaction. *Journal of sex & marital therapy*, 26(4), 321 – 334 .
- Adibrad, Nastaran & Adibrad, Mojtaba. (2005). Investigating the relationship between communication beliefs & marital boredom & comparing it in women seeking divorce & women wanting to continue living together. *News & counseling Researches*, 4 (13), 110-99.
- Ahmadi, Khodabakhsh ; Fathi, Ashtiyani ; Ali & Navabinezhad ; Shokooh. (2005). Investigating the contextual-individual & communication-bilateral factors affecting marital adjustment. *Family Studies*, 1 (3), 237 - 221.
- Amiri, Ali. (2008). Investigating the Relationship between Marital Life Expectations & Life Satisfaction. Master's thesis, Islamic Azad University of Roodehen.
- Babapour Kheyroodin, Jalil. (2006). Investigating the Relationship between Student Conflict Resolution & Student Mental Health. *Journal of Psychology*, University of Tabriz, 1 (4), 46-27.
- Bakhshoodeh , Asma & Bahrami Ehsan, Hadi. (2012). The role of marital expectations & healthy exchanges in predicting marital satisfaction. *Two Quarterly Journal of Islamic Studies & Psychology*, 6 (10), 42-27.
- Bartle-Haring, S, Gregory, P.( 2003). Relationship between differentiation of self & the stress & distress associated with predictive cancer genetic counseling & testing: preliminary evidence. *Fame sect Health*; 21(4): 357-81.
- Beach, S. R. H; Dreifuss, J. A; Franklin, K. J; Kamen, C. & Gabriel, B. (2008). Couple therapy & the treatment of depression In A. S. Gurman *Clinical handbook of couple therapy*, (Eds. 545-566). New York: Guilford.
- Beach, S. R. H. & Gupta, G. (2006). Directive & nondirective spousal support: Differential effects? *Journal of Marital & Family Therapy*, 32, 465-477.

- Beyrami, Mansour; Babapour Kheyroodin, Jalil; Hashemi, Touraj; Esmaili, Esmail & Bahadori, Jafar. (2013). Predicting marital satisfaction based on emotional intelligence components & conflict resolution practices. *Scientific Journal of Qazvin University of Medical Sciences*, 17 (3), 27-20.
- Bowen, M. (1978). *Family therapy in clinical practice*. New York: Jason. Arosen.
- Coombs R. Marital status & personal wellbeing. *A literature Review Family Relations* 2008;40: 97-102.
- Dattilio, F. M. (2010). *Cognitive-behavioral therapy with couples & families: A comprehensive guide for clinicians*. New York: Guilford Press.
- Demo, D.H. & Alan, C.A. (1996). Singlehood marriage & remarriage. *Journal of family Issues*, 17, 386 – 407.
- Ghorbanalipour, masoud; Farahani, Hojatollah; Borjali, Ahmad & Moghadas, Leyla. (2008). Determining the effectiveness of group lifestyle change training on increasing marital satisfaction. *Psychological Studies, Faculty of Educational Sciences & Psychology, Al-Zahra University*, 4 (3), 72-57.
- Glad, G. E. (2000). The effect of self differentiation on marital conflict. *American Journal of Pastoral Psychology*, 2, 65-76.
- Gladding.S.T. (2004). *Counseling : A comprehensive profession*. Upper saddle River , NJ: Pearson / Merrill Prentice Hall.
- Goldenberg, I; Goldenberg, H. (2011). *Family therapy*, translated by Hamid Reza Hossein Shahi Borouati et al. Tehran: Ravan (published in the original language in 1934).
- Goldenberg, Irene & Goldenberg, Herbert. (2009). *Family therapy* (translated by Hamid Reza Hossein Shahi Borouati, Siamak Naghshb&i & Elham Arjm&). Tehran: Ravan Publishing.
- Goodwin, L. (2000). Resolving Auditor, Clint conflict, Concerning Financial statement Issues. Department of commerce University of Queensl& Australia, Available online at: <http://aaahq.org/audit/midyear /01midyear/papers/ goodwin2001midyear.pdf>.
- Guttman, John. (2007). *Treatment & improvement of relationships* (translated by Mostafa Alizadeh). Tehran: Qatreh Publishing.
- Haghighi, Hamid. (2012). Comparison of marital conflict resolution styles between satisfied couples, conflicting couples & couples on the verge of divorce in B&ar
- Hamedi, Robab; Khosravi, Zohreh; Peyvastehgar, Mehrangiz; Darvizeh, Zahra; Khodabakhsh, Roshanak, Sarami, Gholamreza. (2012). Investigating self-differentiation & the quality of non-homogeneity relationships in single students. *Psychological Studies*, 8 (4), 71 - 57.
- Haws, W., & Mallinckrodt, B. (1998). Separation individuation from family of origin & marital adjustment of recently married couple. *American Journal of Family Therapy*, 26(4), 293-307

- Hill, A. (2005). Predictors of relationship satisfaction. Unpublished doctoral dissertation. School of Behaviorism, Alliant international university, Los Angeles, California.
- Horvitz, A. V; Helene, R. W. & S&ra H. W. (1997). Becoming married & mental health. *Journal of Marriage & the family Therapy*, 58, 895 – 907.
- Johnson, M. D; Cohan, C. L. & Davila, J. (2005). problem solving skills & effective expressions as predictors of change in marital satisfaction. *Journal of consulting & Clinical Psychology*, 73(1), 15-27 .
- Kayser, K. (1990). The Process of Marital Dissatisfaction: Interventions at Various Stages. *Journal of Family Relations*, 39, 257-265.
- Kayser, K. (1993). When love dies: the process of marital disaffection. New York: The Guilford press.
- Kayser, K. (1996). The Marital Disaffection Scale: An inventory for assessing emotional estrangement in marriage. *American Journal of Family Therapy*, 24(1), 83-88.
- Khamseh, Akram. (2003). Premarital education before the marriage. Tehran: Al-Zahra University, Women's Research Institute.
- Koohi, samaneh. (2009). Investigating the factors predicting marital frustration in couples in Isfahan. Master Thesis, Faculty of Educational Sciences & Psychology, University of Isfahan.
- Kurdek, L. A. (1995). Correlates of relationship satisfaction in cohabiting gay & lesbian couples: Integration of contextual, investment, & problem solving models. *Journal of Personality & Social Psychology*, 56, 910-922.
- Kurdek, L.A. (1993). Predicting marital dissolution: A 5 year prospective longitudinal study of Newlywed couples. *Journal of Personality & Social Psychology*, 64, 221-242.
- Larson, J. H; Hamm&, C. & Harpe, J. M. (1998). Perceived equity & intimacy in marriage. *Journal of Marital & Family Therapy*, 24, 487- 495.
- Larson, J. H. & Holman, T. B. (1994). Premarital predictors of marital quality & stability. *Family Relations*, 43(2), 228-237.
- Mahoney, K. R. (2006). The relationship of partner support & coping strategies to marital adjustment among women with diabetes & their male partner. Unpublished doctoral dissertation, New York university.
- Mansfield, J. (2007). Unrealistic marital expectations [On-Line]. Available: [www.lamorapsych.com/knowledgebase/entry](http://www.lamorapsych.com/knowledgebase/entry) .
- Mc Nutly, J.K. (2007). Some married couples will do better by lowering expectations [On- Line]. Available: [www.researchnews.osu.edu/archive/marsatis.htm](http://www.researchnews.osu.edu/archive/marsatis.htm).
- Mc Nutly, J. K & Karney, B. R. (2004). Positive expectations in the early years of marriage: Should couples expect the best or brace for the worst? *Journal of Personality & Social Psychology*, 86(5), 729-43.

- Miller, R. (2004). Is Bowen Theory valid? A review of basic research. *Journal of marital & family therapy*.
- Moosavizadeh, Tahereh. (2009). The effectiveness of meaningful education on reducing marital boredom in women. Master Thesis, Allameh Tabatabai University, Tehran.
- Naderi, Farah; Azadmanesh, Pooneh. (2011). Comparison of marital boredom, family performance & intimacy of male & female employees. *Journal of New Findings in Psychology*, 7 (22), 112-97.
- Naeem, Samiyeh. (2008). The relationship between marital boredom, intimate relations with the spouse & marital conflicts with violence against women in Ilam. Master Thesis, Islamic Azad University of Ahvaz.
- Nock, S. L. (1995). A comparison of marriage & capability relationship. *Journal of family Issues*, 16, 53 – 76 .
- Owladi, Zakiyeh. (2011). The effectiveness of reality-based on group therapy in reducing boredom & increasing marital satisfaction in married women. Master Thesis, Faculty of Psychology & Educational Sciences, Ferdowsi University of Mashhad.
- Park, S.S. (2012). The development of the marital attitudes & expectations scale. In partial fulfillment of the requirements For the Degree of Master of Science Colorado State University Fort Collins, Colorado.
- Pines, A.M. (2002). What can we do so that the dream of love does not lead to boredom (translated by Fatemeh Shadab). Tehran: Nashr Ghoghnoos.
- Prochaska, JO; Noorcross GC. (2012) *Psychotherapeutic theories*. (Translation: Seyed Mohammadi) Tehran: Ravan.
- Que, J. (2007). Perceptions of reasons for divorce. California state university, long beach.
- Rahim, A; Kaufamn, S. & Psennica, C. (2004). A Model of the style of H&ling conflict, Marital satisfaction, & Instability. IACM 17th Annual Conference Paper, JEL Classification: D 74.
- Rahim, A. (1983). A Measuer of Styles of H&ling Interpersonal Conflict. *Academy of Management Journal*, 26(2).368-376.
- Rani, R. (2013). Marital Adjustment Problems of Working & Non-Working Women in Contrast of Their Husb&. *International Journal for Research in Education*, 2(7), 40-44.
- Rahmatollahi, Farahnaz; Fatehizadeh, Maryam & Ahmadi, Ahmad. (2006). Pathology of married life. *New Quarterly Journal of Psychotherapy*. 11 (42), 26 - 8.
- Rezazadeh, Mohammadreza. (2008). The relationship between communication skills & marital adjustment in students. *Two Quarterly Journal of Contemporary Psychology*, 3 (1), 50-43.

- Rios, C.X. (2010). The relationship between premarital expectation & marital satisfaction. Unpublished MA thesis, Department of family & marriage research, Utah state university, Oksana, Utah.
- Sanayi Zaker, Bagher. (2008). Marriage & family measurement scales. Tehran: Besat Publications.
- Shafieeniya, Azam. (2002). Investigating the effect of marital conflict resolution skills training on improving marital relationships. Master Thesis, Faculty of Educational Sciences & Psychology, Al-Zahra University.
- Shakeriyan, Ata. (2012). The role of personality & gender dimensions in predicting marital adjustment. Kermanshah University of Medical Sciences, 16 (1), 22-16.
- Sharp, E. A. & Ganeng, L. H. (2004). Raising Awareness About Marital Expectation: Are Unrealistic Beliefs by Integrative Teaching? Family Relations, 49(1), 71-76.
- Skoworn ,E.A.(2000). The role of differentiation of self in marital adjustment . Journal of Counseling Psychology ,47,229-237 .
- Skowron, E. A., & D&y, A. K. (2004). Differentiation of self & attachment in adulthood: Relational correlates of effortful control. Contemporary Family Therapy: An International Journal, 26, 337-357..
- Skowron, E. A., Stanley, K., & Shapiro, M. (2009). A longitudinal perspective on differentiation of self, interpersonal, & psychological well-being in young adulthood. Contemporary Family Therapy, 22, 234- 244.
- Sorenson, P. S; Hawkins, K. & Sorenson, R. L. (1995). Gender, Psychological Type & Conflict Style Preference. Management Communication Quarterly, 9(1), 115 – 126 .
- Steuber, K. R. (2005). Adult attachment, conflict style & relationship satisfaction: comprehensive model. Unpublished master`s thesis, Delaware university .
- Valadkhani, J. (2008). Investigating the relationship between identity status of mine & self-differentiation with marital adjustment in married men & women of Allameh Tabatabai University. Master Thesis, Tehran: Faculty of Psychology & Educational Sciences, Allameh Tabatabai University.
- Younesi, F. (2006). Normalization & determination of psychometric characteristics of self-differentiation test among people aged 30-25 years. Master Thesis in Counseling, Allameh Tabatabai University, Tehran.

